



مروری بر جایگاه هویت ملی در کتاب های درسی دوره ابتدایی

شاهین نصری

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی پردیس شهید مدرس دانشگاه فرهنگیان کردستان، کردستان، ایران
shahin.nasri80@gmail.com

شهرام مرادپور

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی پردیس شهید مدرس دانشگاه فرهنگیان کردستان، کردستان، ایران
shahram.moradpoor07@gmail.com

1

چکیده

هویت ملی در میان یک ملت موجب ایجاد و استمرار وحدانیت و همبستگی می باشد. نقش نظام آموزش و پرورش و ساختار و پایه های آن همچون برنامه درسی و کتاب های درسی در این امر دو چندان است و باعث نهادینه شدن هویت ملی و مؤلفه های آن در انسان می شود. رویکرد این مقاله مروری است و منابع مطالعه شده با استفاده از کلمات کلیدی مرتبط و از پایگاه های داده ای داخلی به دست آورده شده و تعداد ۱۷ مقاله بررسی شد و داده های به دست آمده از این تحقیقات به دو دسته تقسیم شدند. همچنین کلیه منابع، پژوهش های داخلی بودند. یافته ها نشان می دهد که هویت ملی در محتوای کتب درسی وضعیت چندان مطلوب و مناسبی ندارد، به طوری که به برخی مؤلفه ها بسیار کم پرداخته شده است. به همین خاطر برنامه ریزان درسی باید به این وضعیت بسنده نکنند و با برنامه ریزی دقیق و مناسب به طور متوازن به تمامی مؤلفه ها بپردازند.

واژگان کلیدی: هویت ملی، دوره ابتدایی، کتاب درسی، برنامه درسی، نظام آموزش و پرورش.



مقدمه

هویت اقسام گوناگونی دارد اما در واقع دو نوع هویت است که از همدیگر مشخص می‌شود: هویت فردی که در آن فرد از طریق ویژگی‌ها و مختصه‌های خویش مورد شناخت قرار می‌گیرد و هویت جمعی که به وابستگی برخی اشخاص به کارهای همگانی با عناوین ویژه اشاره دارد (لقمان نیا و خامسان، ۱۳۹۱). «یکی از ابعاد مهم هویت جمعی جوامع هویت ملی است که همان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و نسبت به کل جامعه است» (معروفی و پناهی توانا، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۸). هویت ملی افزون بر ایجاد وحدت و دادن حقانیت به یک نظام سیاسی- اجتماعی و داشتن نقش مهم در استمرار حیات سیاسی یک ملت، درانتخاب مسیر حیات گروهی و در آینده و اهداف ملی، نقش بسزایی دارد (قربانی، ۱۳۸۳). یکی از راه‌های ثبات و نیرومندی هویت ملی در هر سرزمینی، نظام آموزش و پرورش می‌باشد که از پایه و ساختارهای مختلفی پدید آمده است و در راستای دستیابی به هدف متعالی تعلیم و تربیت، این ساختارها در ارتباط با هم اقدام به تلاش هماهنگ و یکسان می‌کنند و همچنین در بین این ساختارها، برنامه درسی بیشتر مورد ملاحظه است (لقمان نیا و خامسان، ۱۳۸۹). بر طبق دیدگاه دال (۱۹۹۶)، برنامه درسی عبارت است از درون مایه رسمی و غیر رسمی و پروسه‌ای که یادگیرندگان علم، درک، رویش مهارت‌ها، دگرگونی‌ها و یادگیری ارزش‌ها را با پشتیبانی آن از مدرسه به دست می‌آورند (ریعی فارسیجانی، ۱۴۰۰). کتاب‌های درسی نیز به دلیل تعیین مضمون و راه و روش آموزشی، مورد توجه متولیان آموزش و پرورش می‌باشد. (نیک نفس و علی آبادی، ۱۳۹۲). در واقع «مهمترین مکانیسم فرایند درونی شدن هویت ملی، سیستم‌های آموزشی و منابع درسی هستند که حتی نقش سایر عوامل مهم مانند خانواده را نیز به طور قابل ملاحظه‌ای تحت الشعاع قرار می‌دهند» (فروتن، ۱۳۹۳، ص. ۴). محمدی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان جایگاه هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ایران با بررسی محتوای کتاب‌های دوره ابتدایی به این نتیجه رسیدند که در دوره ابتدایی تغییراتی در رابطه با هویت ملی در محتوای کتاب‌ها رخ نداده بود و مؤلفه‌های فرهنگی و نمادهای هویت ملی دچار بی‌توجهی بیشتری شده بود. جدیدی (۱۳۹۴) در پژوهش تحلیل محتوای کتاب‌های درسی فارسی و علوم اجتماعی پایه ششم ابتدایی از حیث توجه به هویت ملی بر محور استانداردهای مصوب به این نتیجه دست یافت که در کتاب‌های اجتماعی و فارسی بخوانیم به برخی نمادها مثل جغرافیا و مکان طبیعی - ملی، نام آوران ایرانی و فرهنگ تاحدودی فراهور ملاحظه شده است اما به بعضی نمادها همچون پرچم، سرود ملی، تقویم رسمی، قومیت، ادبیات ملی، اساطیر ایرانی، تاریخی و ملی و هنر ایرانی توجه اندکی گردیده است. به برخی نمادها همانند دین نیز مطلقاً پرداخته نشده است. بر این اساس طبق نتایج این پژوهش مضمون کتاب‌های اجتماعی و فارسی بخوانیم به طور یکسان به مسئله نمادهای هویت ملی توجه نکرده است. لقمان نیا و خامسان (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان «جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران» نشان دادند که هویت ملی در این کتاب‌ها وضعیت پذیرفتنی ندارد و توجه متوازی به مبحث هویت ملی در کتاب‌های درسی نشده است و نیز، اهداف آموزشی در مقاطع تحصیلی، هویت ملی را به طور جامع بیان نکرده و همه جنبه‌های آن را دربر نمی‌گیرد.

با وجود پژوهش‌های صورت گرفته، پیوسته مسئله هویت ملی و موقعیت آن و نیز میزان بازگویی آن در کتب درسی در ذهن مطرح است. در واقع هدف از نگارش این پژوهش، مروری بر جایگاه و موقعیت هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، از طریق بررسی تحقیقات و پژوهش‌های صورت گرفته می‌باشد تا به میزان ملاحظات برنامه‌ریزان درسی پیرامون اشاره به هویت ملی در محتوای کتاب‌های درسی پی برده شود و با اقدامات متناسب و صحیح در این خصوص، در جهت صیانت از یگانگی و همبستگی ملت و نیز ارزش‌های ملی مبادرت شود.

¹ Doll



روش تحقیق

در ارتباط با مسئله جایگاه هویت ملی در کتب دوره ابتدایی برای دستیابی مقالات مرتبط، از پایگاه‌های داده ای گوگل اسکالر، جهاد دانشگاهی، نورمگز، سیویلیکا، علم نت و پرتال جامع علوم انسانی استفاده شد. همچنین برای یافتن مقالات، کلمات کلیدی هویت ملی، کتب درسی دوره ابتدایی، نظام آموزش و پرورش، برنامه درسی به کار برده شد. جست و جو در خصوص مقالات در مابین تاریخ دهم الی بیستم بهمن ماه ۱۴۰۰ انجام شد. از حدود ۲۰ مقاله دریافتی، تعداد ۱۷ مقاله مورد مطالعه و تعداد ۳ مقاله حذف گردید. برای انتخاب مقالات مورد نظر، نخست به بررسی چکیده‌ها از نظر ارتباط با اهداف مورد نظر پرداخته شد، سپس مطالعه کامل و دقیق مطالب و خلاصه برداری و استناد از برخی از بخش‌های مقالات همانند یافته‌ها و نتیجه‌گیری انجام گردید. مطالب منتخب جمع‌آوری و به دو دسته دوره تحول بنیادین و قبل دوره تحول بنیادین تقسیم شد. معیار انتخاب مقالات، مرتبط بودن عناوین و محتوا و مطالب آن‌ها با هدف مورد نظر یعنی همان هویت ملی و جایگاه آن در کتب درسی دوره ابتدایی بود. با توجه به مروری بودن رویکرد این مقاله، سعی بر این شده است که با مطالعه و استخراج داده‌ها و یافته‌های تحقیقات و پژوهش‌های پیشین، مسیری که پژوهشگران برای این مسئله طی کرده‌اند مشخص شود و نقض‌های موجود برطرف شود.

3

یافته‌ها

یافته‌های به دست آمده از مطالعه پژوهش‌های صورت گرفته، به دو دسته دوره تحول بنیادین و قبل دوره تحول بنیادین تقسیم بندی می‌شوند:

الف) مطالعات مربوط به قبل دوره تحول بنیادین:

صالحی عمران و شکیباییان (۱۳۸۶) در بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتب درسی ابتدایی، شش مقوله اسطوره‌های ملی و شاهنامه‌ای، نمادهای ملی، رسوم ملی، میراث فرهنگی، جغرافیای ایران و ارزش‌های ملی برای تحلیل محتواهای تصویری به کار برده شد. نتایج این پژوهش نشان داد که کمترین میزان اشاره مربوط به بعد اسطوره‌ای، نمادین، هنجارهای جغرافیایی هویت و ارزش‌های ملی بود و در واقع این نتیجه، دستاورد مطلوبی در آینده نداشت. منصوری و فریدونی (۱۳۸۸) در پژوهشی با هدف بررسی تبلور هویت ملی در کتب درسی، به مطالعه محتوای کتاب فارسی بخوانیم دوره ابتدایی بر اساس نماد‌های هویت ملی از بعد سرزمینی و تاریخی پرداختند. در بررسی واژه‌های موجود در کتاب، در پایه اول ۱۴۵۷ واژه، در پایه دوم ۱۸۱۴ واژه، در پایه سوم ۳۰۳۴ واژه، در پایه چهارم ۵۷۳۹ واژه، در پایه پنجم ۴۸۳۴ واژه و در مجموع ۱۶۸۷۸ واژه در ۲۳۸ درس مورد مطالعه قرار گرفت که از این میزان، ۸۶۳ مورد (۵٪/۱) به هویت ملی اشاره داشت. در بررسی این واژه‌ها، مؤلفه‌های همچون فرهنگ، وطن، مشاهیر، اساطیر، ادبیات، آثار تاریخی، تاریخ و سیاست، هنر و معماری، فرهنگ اقوام ایرانی مدنظر قرار داشتند که بیشترین فراوانی پرداختن به این مؤلفه‌ها در پایه پنجم با ۳۱۴ مورد و کمترین فراوانی مربوط به پایه اول با ۸۸ مورد بود. همچنین در میان این مؤلفه‌ها بیشترین مؤلفه ذکر شده در محتوای کتاب‌ها مربوط به فرهنگ با ۲۸۶ مورد و کمترین مربوط به فرهنگ اقوام ایرانی با ۰ مورد بود. همچنین در بحث تصاویر مرتبط با هویت ملی، از تعداد ۶۳ تصویر فقط ۹ مورد به هویت ملی اشاره داشت. در مجموع این مطالعات (اعم از مطالب و تصاویر) به میزان ۹۳٪، از این مقدار ۷٪ به هویت ملی اشاره داشت. در بررسی این یافته مشخص شد که میزان توجه به مؤلفه‌های هویت



ملی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی کم و نگران کننده بود.

لقمان نیا و خامسان (۱۳۸۹) در تحلیل محتوای کتاب‌های درسی برای بررسی جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران، بر اساس طبقه بندی اهداف آموزشی در ۸ حیطه که شامل اعتقادی، اخلاقی، علمی - آموزشی، فرهنگی، هنری، اجتماعی، زیستی، سیاسی و اقتصادی است، از تعداد ۹۵ مورد از اهداف آموزشی مربوط به دوره ابتدایی فقط ۸ مورد به هویت ملی اشاره کرده بود. بر طبق این یافته‌ها، هویت ملی در اهداف آموزشی و محتوای کتب درسی وضعیت مطلوبی نداشت.

ب) مطالعات مربوط به دوره تحول بنیادین:

نوشادی و همکاران (۱۳۹۰) با مطالعه جایگاه هویت ملی در کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم دبستان و سوم راهنمایی با توجه به ده مقوله اساسی از پیش تعیین شده از هویت ملی به بررسی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم پرداختند که بیشترین میزان آن مربوط به بعد دینی با ۵۷٪ و کمترین میزان نیز مربوط به بعد سیاسی با ۲۵٪ بود و همچنین ابعاد ارزش‌ها و هنجارهای ملی، نمادهای ملی، خرده فرهنگ‌های قومی، تجدد و افتخارات ملی کمتر از ۹٪ و به بعد اسطوره‌های ملی نیز توجه نشده بود. به طور کلی نتایج حاکی از آن بود که به ابعاد دینی و سیاسی به عنوان مؤلفه‌های هویت ملی نسبت به سایر مؤلفه‌ها بهتر پرداخته شده بود.

زاویه و عزیزی (۱۳۹۲) در تجزیه و تحلیل تصویرکتاب پایه اول و دوم دبستان و رابطه آن‌ها با هویت ملی و دینی، با دسته بندی اجزاء و عناصر تصویری به گروه‌های عناصر (همانگ)، (متضاد)، (خنثی)، (همانگ و خنثی)، (همانگ، متضاد، خنثی)، (متضاد و خنثی)، (متضاد و همانگ) تصاویر را مورد بررسی قرار دادند. به طور کلی نتایج نشان‌دهنده آن بود که در کتاب‌های درسی عناصر خنثی و متضاد بیشتر از عناصر همانگ قابل مشاهده بود. و تصاویر و محتوای کتب درسی در رابطه با انتقال مفاهیم هویتی ضعیف بودند.

هاشمی و قربانعلی زاده (۱۳۹۳) در پژوهش هویت ملی در کتب مطالعات اجتماعی در دوره ابتدایی، با توجه به گسترده بودن مؤلفه‌های هویت ملی، به بررسی محتوای کتاب‌ها بر اساس مؤلفه‌های مرتبط تر شامل نمادها، وقایع و رخدادها، ارزش‌ها، میراث فرهنگی، مشاهیر و شخصیت‌ها، که نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان داد به ۱۱۷۱ مؤلفه اشاره گردیده است که از این تعداد، بیشترین آن مربوط به مطالعات اجتماعی پایه ششم با ۵۰/۸۱٪ (۵۹۵ مورد) و کمترین آن مربوط به کتاب مطالعات اجتماعی پایه چهارم با ۸/۴۵٪ (۹۹ مورد) بود و نیز، بیشترین میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی مربوط به ارزش‌ها با ۴۵/۹۴٪ (۵۳۸ مورد) کمترین میزان آن مربوط به نمادها با ۷/۱۷٪ (۸۴ مورد) بود. بر طبق این نتایج مشخص شد که به طور همسانی به مؤلفه‌های هویت ملی پرداخته نشده بود.

نهبانندی و قربانعلی زاده (۱۳۹۳) به مطالعه دو کتاب مطالعات اجتماعی و تعلیمات اجتماعی پایه سوم مربوط به دوره تحول بنیادین و قبل از آن بر اساس مؤلفه‌های منتخب که عبارت بودند از نماد، ارزش‌های ملی، میراث فرهنگی و وقایع و رخدادها، پرداختند. نتایج این مطالعات نشان داد که مجموعاً در ۵۷۸ مورد به هویت ملی اشاره شده بود. کتاب تعلیمات اجتماعی پایه سوم که مربوط به قبل از دوره تحول بنیادین است با ۳۰۲ مورد (۵۲/۲۴٪) نسبت به کتاب مطالعات اجتماعی پایه سوم در دوره تحول، اندکی بیشتر به هویت ملی اشاره کرده بود. در بخش مؤلفه‌های هویت ملی نیز در کتاب تعلیمات اجتماعی قبل از تحول، کلیه پنج بعد هویت ملی که شامل نماد، ارزش، میراث فرهنگی، مشاهیر و شخصیت‌ها و وقایع و رخدادها بود، ذکر شده بود، اما در کتاب مطالعات اجتماعی دوره تحول به دو بعد مشاهیر و شخصیت‌ها و وقایع و رخدادها پرداخته نشده بود. نتایج بیانگر آن بود که هر دو کتاب در اشاره به مؤلفه‌های هویت ملی یکسان نبودند و این مورد در کتاب مطالعات اجتماعی دوره تحول به دلیل حذف دو بعد مشاهیر و شخصیت‌ها و وقایع و رخدادهای ملی، نمایان تر بود.



جدیدی محمدآبادی (۱۳۹۴) در تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی و علوم اجتماعی پایه ششم ابتدایی بر اساس استاندارد های مصوب، با مطالعه محتوای کتاب‌های مورد نظر برحسب نمادهای ملی منتخب، بیشترین فراوانی پرداختن به نمادها مربوط به کتاب علوم اجتماعی با ۵۴/۳۹٪ و کمترین فراوانی پرداختن نمادها مربوط به کتاب فارسی بخوانیم با ۴۵/۶۰٪ بود و از بین نمادهای هویت ملی، بیشترین درصد مربوط به نماد مشاهیر ایرانی با ۲۵/۶۳٪ و کمترین درصد مربوط به نماد دین با ۰٪ بود. در متن کتاب‌های درسی نیز بیشترین میزان اشاره به نمادها مربوط به کتاب فارسی بخوانیم با ۵۳/۶۳٪ و کمترین میزان اشاره به نمادها مربوط به کتاب مطالعات اجتماعی با ۴۶/۳۸٪ بود و از بین نمادهای هویت ملی، بیشترین درصد مربوط به نماد مشاهیر ایرانی با ۲۷/۱۷٪ و کمترین درصد مربوط به نماد دین با ۰٪ بود و همچنین در تصاویر کتاب‌های درسی، بیشترین میزان اشاره به نمادها مربوط به کتاب مطالعات اجتماعی با ۸۹/۶۱٪ و کمترین میزان اشاره نمادها مربوط به کتاب فارسی بخوانیم با ۱۰/۳۸٪ بود و از بین نمادهای هویت ملی، بیشترین درصد مربوط به فرهنگ با ۲۷/۹۲٪ و کمترین درصد مربوط به نماد دین با ۰٪ بود. بر اساس این تحقیقات، در کتاب علوم اجتماعی و فارسی به طور یکسان به نماد های هویت ملی اشاره نشده بود.

ازغندی و محمدی مهر (۱۳۹۵) در بررسی کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی چاپ ۱۳۹۳، از تحلیل مطالب و تصاویر کتاب‌ها بر اساس مؤلفه‌های هویتی، ۵۱/۴٪ به مؤلفه‌های هویت ملی تعلق داشتند و و نیز در بحث تصاویر، ۱۳/۳٪ به هویت ملی در دوران جمهوری اسلامی و ۲۱/۵٪ به هویت ملی دوران ایران باستان اشاره داشت و همچنین در میان مؤلفه‌های هویت ملی، بیشترین فراوانی در مطالب درسی مربوط به فولکلور، داستان، ضرب المثل ایرانی به میزان ۳۷/۸٪ بود. براساس نتایج این تحقیق، مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی تا حدودی برجستگی‌هایی در کتب درسی داشتند.

محمدی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه جایگاه هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، به بررسی محتوای کتاب‌های درسی بر اساس برخی از مؤلفه‌های هویت ملی همچون فرهنگی، سیاسی و نمادها پرداختند که نتایج بدست آمده بیانگر آن بود که ۷۴۲ مورد به مفاهیم هویت ملی اشاره شده بود که از آن تعداد، ۲۷۳ مورد به مؤلفه فرهنگی، ۲۷۴ مورد به مؤلفه سیاسی و ۱۹۵ مورد به نمادها متعلق داشت و نیز در بین پایه‌ها، پایه چهارم بیشترین مورد را در مؤلفه فرهنگی و پایه پنجم بیشترین مورد را در مؤلفه سیاسی و پایه دوم بیشترین مورد را در نمادها به خود اختصاص داده بود. نتایج نشان داد که مؤلفه سیاسی بیشترین رتبه را در میان مؤلفه‌های دیگر داشت که آن هم به دلیل کتاب‌های تعلیمات اجتماعی که مختص سیاست و عوامل آن بود.

علیزاده (۱۳۹۹) در بررسی کتب فارسی دوره ابتدایی براساس مؤلفه‌های پیش فرض، از مجموع ۲۲۰۱ مورد، بیشترین فراوانی در کتاب پایه پنجم با ۶۱۸ مورد (۲۸٪/۷۰) و کمترین نیز مربوط به کتاب پایه سوم با ۱۵۷ مورد (۷٪/۱۳) بود. نیز بیشترین اشاره مربوط به مؤلفه مشاهیر ملی با ۵۰۵ مورد (۲۲٪/۹۴) و کمترین مربوط به مؤلفه‌های دین و جغرافیا و مکان‌ها با ۷ مورد (۰/۳۱٪) بود. بر اساس نتایج این پژوهش مشخص گردید که کتب فارسی در رابطه با پرداختن به مؤلفه‌های ملی همانند مشاهیر ملی، ادبیات ملی، سیاست و میهن دوستی به طور مناسبی اشاره گردیده اما در سایر مؤلفه‌ها وضعیت مطلوبی وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هویت ملی به عنوان عامل انسجام و یکپارچگی در یک ملت شناخته می‌شود که برای استوار سازی آن در میان مردم، نظام آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهم‌ترین ساختارها در وقوع این امر می‌باشد. برنامه درسی به عنوان یکی از پایه‌های مهم نظام آموزش و پرورش است و کتب درسی نقش ویژه‌ای در تعلیم هویت ملی و مؤلفه‌های آن دارد. در برخی از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، با اینکه تغییراتی در محتوای کتاب‌های درسی در دوره تحول بنیادین به وجود آمد و کتاب‌های این دوره با دوره قبل تحول متمایز شد و همچنین با وجود معیار گرفتن برخی از مؤلفه‌های مورد نظر پژوهشگران در میان دامنه



وسیع‌تری از مؤلفه های هویت ملی، در بررسی پژوهش های صورت گرفته در هر دو دوره نتایج به دست آمده نشان از نامناسب بودن وضعیت پرداختن به هویت ملی و مؤلفه های آن در کتب درسی دوره ابتدایی دارد به طوری که نتایج پژوهش لقمان نیا و همکاران (۱۳۹۷) نیز به این امر اذعان داشته است. در مطالعات پیشین صالحی عمران و شکیباییان (۱۳۸۶)، منصوری و فریدونی (۱۳۸۸)، لقمان نیا و خامسان (۱۳۸۹) که در دوره قبل از تحول بنیادین صورت گرفت نتایج مشابهی به دست آمد که دلیل بر نامطلوب بودن وضعیت هویت ملی در محتواها داشتند. این مسئله همچنان در دوره تحول بنیادین نیز ادامه پیدا کرده است و حتی نسبت به دوره قبل نیز کمتر به آن پرداخته شده است. در پژوهش ناهوندی و قربانعلی زاده (۱۳۹۳) یافته ها اشاره به کاهش توجه به هویت ملی در کتاب مطالعات اجتماعی در دوره تحول بنیادین نسبت به دوره قبل داشت. در واقع برنامه ریزان و مؤلفان کتاب های درسی می بایست به چند مؤلفه خاص و منتخب بسنده نکنند و از تمامی مؤلفه ها به صورت متوازن و با طرح و برنامه ریزی دقیق، مناسب و قابل اجرا، در کتاب های درسی ذکر شود. همچنین از مطالب و تصاویر به طور یکسان استفاده شود و هر کدام از این موارد با یکدیگر هماهنگ و مرتبط باشند. مؤلفه های مانند اسطوره های ملی، مشاهیر و شخصیت های ملی، جغرافیا و مکان های تاریخی و همچنین فرهنگ اقوام ایرانی که شامل عواملی همانند آداب و رسوم، لباس ها و بازی های محلی می باشد، از جمله مواردی هستند که به نسبت کمتر به آن ها اشاره شده بود و می توان با مطالب و تصاویر همسان و به خصوص مرتبط با مناطق و اقوام مختلف کشور باشد به آن ها پرداخت.

منابع

ازغندی، علیرضا، محمدی مهر، غلامرضا، بازنمایی هویت ملی در کتاب های فارسی مقطع دبستان، فصلنامه مطالعات ملی، دوره هفدهم، شماره شصت و پنجم، فروردین ۱۳۹۵، ۳۹-۵۲.

ربیع فارسیجانی، پوریا، واکاوی مفهوم برنامه درسی، پیشرفتهای نوین در مدیریت آموزشی، شماره چهارم، تابستان ۱۴۰۰، ۴۲-۱۷.

زاویه، سعید، عزیزی، سیده مهدیه، تصاویر کتاب های درسی و رابطه آنها با هویت ملی و دینی مطالعه کتاب های اول و دوم دبستان، مطالعات ملی، دوره چهاردهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲، ۱۲۱-۱۴۰.

صالحی عمران، ابراهیم، شکیباییان، طنناز، بررسی میزان توجه به مؤلفه های هویت ملی (در کتاب های درسی دوره آموزش ابتدایی)، فصلنامه مطالعات ملی، دوره هشتم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۳۸۶، ۶۳-۸۴.

جدیدی محمدآبادی، اکبر، تحلیل کتاب های درسی فارسی و علوم اجتماعی پایه ششم ابتدایی از حیث توجه به هویت ملی بر اساس استانداردهای مصوب، فصلنامه علمی پژوهشی آموزشگاهی و مجازی، دوره سوم، شماره یازدهم، اسفند ۱۳۹۴، ۴۸-۴۱.

علیزاده، مزده، بررسی مؤلفه های هویت ملی در کتاب های فارسی ابتدایی (تألیف های جدید ۱۳۹۸)، فصلنامه مطالعات ملی، دوره بیست و یکم، شماره هشتاد و سه، پاییز ۱۳۹۹، ۶۵-۸۴.

فروتین، یعقوب، الگوهای بازنمایی هویت ملی در سیستم آموزشی ایران، فصلنامه مطالعات ملی، دوره پانزدهم، شماره پنجاه و هفتم، فروردین ۱۳۹۳، ۳-۲۳.

قربانی، قدرت الله، هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری. مطالعات ملی، دوره پنجم، شماره هجدهم، تیر ۱۳۸۳، ۶۳-۸۶.

لقمان نیا، مهدی، خامسان، احمد، جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران، تحقیقات فرهنگی ایران، دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹، ۱۴۷-۱۷۱.



لقمان نیا، مهدی، خامسان، احمد، احمدی یگانه، طیبیه، توافق و عدم توافق در زمینه مؤلفه‌های هویت ملی و تلویحات آن در نظام آموزش و پرورش ایران، پژوهش در برنامه ریزی درسی، دوره نهم، شماره سی و سه، پاییز ۱۳۹۱، ۳۸-۵۷.

محمدی، مهدی، صفری، فرشته، جعفری هرندی، رضا، جایگاه هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ایران، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، دوره هشتم، شماره هفدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ۱-۲۹.

معروفی، یحیی، پناهی توانا، صادق، کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه و بازنمایی مؤلفه‌های هویت ملی (دیدگاه دبیران)، فصلنامه مطالعات ملی، دوره چهاردهم، شماره پنجاه و پنجم، مهر ۱۳۹۲، ۱۰۷-۱۲۲.

منصوری، علی، فریدونی، آریتا، تبلور هویت ملی در کتب درسی بررسی محتوایی کتاب فارسی دوره ابتدایی، فصلنامه مطالعات ملی، دوره دهم، شماره سی و هشتم، تابستان ۱۳۸۸، ۲۷-۴۶.

نجار نهبانندی، مریم، قربانعلی زاده، مژده، تحلیلی بر هویت ملی در کتب درسی (مطالعه موردی مطالعات اجتماعی)، نشریه پژوهش‌های تربیتی، شماره بیست و نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ۱۰۱-۷۹.

نوشادی، محمودرضا، شمشیری، بابک، احمدی، حبیب، نقش و کارکرد کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان و سوم راهنمایی در شکل‌گیری هویت ملی، پژوهش‌های برنامه درسی، دوره یکم، شماره یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ۱۳۹-۱۶۷.

نیک نفس، سعید، علی آبادی، خدیجه، نقش تحلیل محتوا در فرآیند آموزش و طراحی کتاب‌های درسی، مجله جهانی رسانه، دوره هشتم، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۲، ۱۲۴-۱۵۰.

هاشمی، سیده ضیاء، قربانعلی زاده، مژده، هویت ملی در کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی، مطالعات ملی، دوره پانزدهم، شماره شصت، دی ۱۳۹۳، ۴۹-۷۱.